

# رادیو

## و مدیریت بحران‌های جمعی

❖ مهدی قربان‌تژاد  
کارشناس ارشد مدیریت اجرایی



### اشاره

مصائب جمعی ناگهانی، غیرمنتظره و عظیم هستند؛ خسارت‌های جانی و مالی بسیار به‌بار آورده، بحران‌های عظیمی را به‌وجود می‌آورند. بحران در حقیقت فشاری روانی و اجتماعی در مقیاس بزرگ و ویژه است که باعث درهم شکسته شدن انگاره‌های متعارف زندگی و واکنش‌های اجتماعی در برابر آن شده، با آسیب‌های جانی و مالی، تهدیدها و خطرهای همراه می‌شود و نیازهای تازه‌ای را به‌وجود می‌آورد. در نتیجه، بحران حادثه‌ای است که به‌طور طبیعی و یا توسط بشر به‌طور ناگهانی و یا به‌صورت فزاینده به‌وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌کند که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله در بحران و سالم‌سازی و توانمندسازی بعد از وقوع بحران را مدیریت بحران می‌گویند. مدیریت بحران علمی کاربردی است که به‌وسیله مشاهده نظام‌مند بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آنها در جست‌وجوی یافتن ابزاری است که به‌وسیله آنها بتوان از بروز بحران‌ها، پیشگیری و یا در صورت بروز آن در خصوص کاهش اثرات آن، با آمادگی لازم، امدادسانی سریع و بهبود اوضاع اقدام کرد. رسانه‌های جمعی؛ به‌ویژه رسانه‌های فراگیر و همه‌پسند مانند رادیو در چرخه مدیریت بحران و مصائب جمعی می‌توانند نقش مهم و کارسازی ایفا کنند؛ به‌نحوی که در مرحله پیش‌بینی و پیشگیری با ارائه آموزش‌ها و راهکارها، در مرحله اتفاق نیز با خبررسانی و همچنین آموزش و آگاه‌سازی و در مراحل بعد یعنی مرحله پس از بحران نیز با بازسازی و عادی‌سازی می‌توانند نقش‌های مهمی در جهت زدودن آثار بحران و برگرداندن جامعه به وضع عادی خود ایفا کنند که در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

در این مقاله نگاه ویژه‌ای به جایگاه رادیو در مدیریت بحران رادیو خواهیم داشت؛ چرا که آنطور که لینچ و گی‌لیس‌پی می‌گویند: «رادیو قدرتمند است؛ این رسانه می‌تواند با فشار یک دکمه به ما آرامش ببخشد، ما را تهییج کند و برانگیزاند و مانند یک رفیق همراه به ما خدمت کند. رادیو بیش از هر رسانه دیگری جزئی از شیوه زندگی ما شده است» (لینچ و گی‌لیس‌پی، ۳۸۳۱: ۲). با این تفاسیر در این مقاله ابتدا به تعاریف مفاهیم مصائب، بحران و مدیریت بحران پرداخته‌ایم، سپس جایگاه و نقش رسانه‌های جمعی؛ به‌ویژه رادیو را در مدیریت بحران پررنگ کرده و در انتها نیز نتیجه‌گیری کرده‌ایم.

## بحران و مدیریت بحران

طی دو دهه اخیر، میلیون‌ها انسان در اثر حوادث غیرمترقبه جان باخته و حجم خساراتی بالغ بر صدها بلیون دلار، رشد توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع را با مانع روبه‌رو کرده است (حاجوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰). همچنین، بررسی روند حوادث در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بشر با روند رو به رشد وقوع بلایای طبیعی مواجه است و از سوی دیگر، نبود برنامه مناسب برای پیشگیری، کاهش اثرات مخرب و آمادگی در برابر آنها می‌تواند جامعه در معرض بلا را با فاجعه روبه‌رو کند (Dera, 2001). حوادث غیرمترقبه و مصائب جمعی معمولاً ناگهانی، غیرمنتظره و عظیم هستند و خسارات جانی و مالی بسیاری به بار می‌آورند (پیران، ۱۳۸۲). مصائب و بحران‌ها علاوه بر خسارات جانی و مالی از نظر اجتماعی و روانی نیز افراد جامعه را درگیر می‌کنند. از نظر سوروکین، جامعه‌شناس روسی‌الاصل آمریکایی، مصیبت بر فرایندهای روانی و ذهنی، بر رفتار، بر سازمان اجتماعی و زندگی فرهنگی جمعیت درگیر با مصیبت اثری پایدار می‌گذارد. گرچه هر مصیبتی منحصر به فرد به نظر می‌رسد؛ چنان‌که زلزله با سیل، سیل با امواج ساحل‌شکن و با انفجار و سقوط بمب بر شهرها تفاوت دارند، اما آثاری که بر اجتماع مصیبت‌زده بر جای می‌گذارند، شباهت‌هایی باورنکردنی دارند (همان).

مصائب جمعی، بلایای همگانی و یا فجایع عمومی به چه رخدادها یا پدیده‌هایی اطلاق می‌شود. دایره‌المعارف علوم اجتماعی ذیل مدخل «مصیبت»، چنین آورده است که: «مفهوم مورد بحث برای اشاره به وقایعی ناگهانی، غیرمنتظره و عظیمی به کار می‌رود که می‌تواند برای فردی معین، خانواده‌ای مشخص، گروه‌هایی کوچک، یک محله یا اجتماع، کل جامعه یا جوامعی چند و در معدود مواردی برای کل جهان روی می‌دهد» (به نقل از همان).

در متون علمی، مصیبت (Disaster) به دو گروه طبیعی و انسان‌ساخت تقسیم می‌شود که شامل: زلزله، سیل، طوفان و گردباد ویرانگر، امواج سهمگین ساحل‌شکن، آتشفشان، حریق گسترده، بیماری‌های واگیردار به هنگام شیوع فراگیر آن، قحطی، سوانح مربوط به نشت گازهای سمی، سوانح نیروگاه‌های اتمی، درگیری و... هستند (همان و ابوالقاسمی و دیگران، ۱۳۸۱: ۹۸).

بارکان (Barkun, 1974: 51) می‌گوید: «به

نظر ما مصیبت، وقفه‌ای جدی، نسبتاً ناگهانی و غالباً غیرمنتظره در ترتیبات طبیعی نظام اجتماعی و یا اجزای آن است که در نتیجه نیروی طبیعی یا اجتماعی، درون سیستمی یا برون سیستمی به وقوع می‌پیوندد و نظام اجتماعی، کنترلی بر آن ندارد.» (نقل از همان).

در کل می‌توان ویژگی‌های مصائب جمعی را چنین جمع‌بندی کرد:

- مصائب دارای آثار و نتایج مخرب هستند که کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سازمان اجتماعی را دچار وقفه می‌کنند.

- برداشت عمومی، به‌ویژه تحت تأثیر تصویری که رسانه‌های جمعی از مصیبت واقع‌شده ترسیم می‌کنند، بزرگ‌نمایی و دراماتیزه کردن مصیبت همراه است.

- در برداشت عمومی، مواردی را به آثار مصیبت نسبت می‌دهند که واقعیت ندارد.

- آمار و اطلاعاتی که پس از وقوع مصیبت در جامعه رواج می‌یابد، معمولاً نادرست هستند. به‌علت تأثیر مصیبت بر وجدان جمعی جامعه و شوک و ترس ایجادشده، هر فرد به‌هنگام بحث از مصیبت آن را دراماتیزه کرده و به بزرگ‌نمایی آن می‌پردازد.

- انسجام اجتماعی جدیدی در محدوده مصیبت‌زده شکل می‌گیرد که جمعی بودن حادثه به این امر یاری می‌رساند.

- از جمله برداشت‌های نادرست از بحث مصائب جمعی، وقوع هراس (Panic) و رفتارهای ناشی از آن است. هراس جمعی تنها در شرایطی رخ می‌دهد که جمعیتی به نسبت انبوه در فضایی محدود و با امکان خروج سریع دچار مصیبت شوند و نسبت به وقوع آن آگاه باشند؛ مانند: وقوع آتش‌سوزی در سینما (همان). در اکثر ویژگی‌هایی که برای مصائب جمعی عنوان می‌شود، رسانه‌ها می‌توانند با اطلاع‌رسانی درست و ارائه آموزش‌ها، آثار و نتایج مخرب مصائب جمعی را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و روانی کاهش دهند.

دو دیدگاه درباره مدیریت مصائب جمعی بحران‌ها وجود دارد:

- **دیدگاه سنتی**؛ مدیریت مصائب جمعی و اصول تخفیف بلایای همگانی غیرمنتظره بر چنین رویدادهایی، موردی نگاه می‌کند و مدیریت مصائب جمعی را به‌طور عمده به مسئله امداد و کمک‌رسانی پس از وقوع هر مصیبت

خاص، محدود می‌سازد؛ بدین معنی که کار اصلی مدیریت مصائب جمعی، پس از وقوع مصیبت آغاز می‌شود. ناگفته پیداست که چنین دیدگاهی در برخورد با مصائب جمعی کارایی بسیار محدود خواهد داشت و طبیعی است که پس از وقوع هر مصیبت جمعی تا لحظه رسیدن کمک و سازماندهی امداد، تلفات، صدمات و خسارات مادی و انسانی افزایش می‌یابد و آثار جانبی مصائب جمعی کنترل نشده، رشد می‌کنند. دیدگاه سنتی مدیریت مصائب جمعی، منفعلانه وقوع بلایای همگانی را انتظار می‌کشد و جز تمهیدات اولیه امدادی و حمایتی، از جمله تشکیل سازمان‌هایی نظیر هلال‌احمر و صلیب‌سرخ، سازمان‌های امداد و نجات و کمک‌های داوطلبانه، به کار دیگری دست نمی‌یازد.

- اما دیدگاه نوین مدیریت مصائب جمعی به این باور قدیمی ایمان آورده است که «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد» و هرگز نباید منفعلانه به انتظار مصائب جمعی نشست، بلکه باید به‌یاری خرد، دانش و فن به مصاف رفت و با افزایش آگاهی همگانی و تجهیز جامعه به وسایل و ابزار لازم، صدمات انسانی و خسارات مادی ناشی از وقوع بلایای جمعی ناگهانی را به حداقل رساند.

ام‌اف له‌چات (Lechat, 1990: 3) چرخه مصائب جمعی را متشکل از پنج مرحله می‌داند:

- مرحله انتظار یا پیش‌بینی (Anticipative Phase):

- مرحله اعلام‌خطر (Alarm Phase):

- مرحله نجات (Rescue Phase):

- مرحله رهاسازی از مصیبت و عادی‌سازی و امداد (Relief Phase):

- مرحله بازسازی و توان‌بخشی (Rehabilitation): (نقل از همان).

حال به تعریف بحران می‌پردازیم: بحران در حقیقت یک فشار روانی و اجتماعی بزرگ و ویژه است که باعث درهم شکسته‌شدن انگاره‌های متعارف زندگی و واکنش‌های اجتماعی می‌شود و با آسیب‌های جانی و مالی، تهدیدها و خطرهای همراه بوده و نیازهای تازه‌ای را وجود می‌آورد.

یک بحران دارای ویژگی‌های زیر است:

- بحران عموماً غیر قابل پیش‌بینی است.

- بحران‌ها آثار مخربی دارند و مردمی که تا قبل از بحران نیازمند کمک نبودند، به محض وقوع بحران نیازمند کمک می‌شوند.

ماهیت و آثاری طولانی و استهلاکی دارند.  
- در وضعیت بحرانی معمولاً تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود و اطلاعات موردنیاز ناقص است.  
- محدودیت و فشردگی زمان، غافلگیری، استرس و مخدوش شدن اطلاعات در زمان بحران اجتناب‌ناپذیر است.

در نتیجه می‌توان بحران را اینگونه تعریف کرد: حادثه‌ای که به‌طور طبیعی و یا توسط بشر به‌طور ناگهانی و یا به‌صورت فزاینده به‌وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی به‌گونه‌ای تحمیل می‌کند که جهت برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران و برخورد و مداخله در بحران و سالم‌سازی بعد از وقوع بحران را «مدیریت بحران» گویند. مدیریت بحران علمی کاربردی است که به‌وسیله مشاهده نظام‌مند بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آنها در جست‌وجوی یافتن ابزاری است که به‌وسیله آنها بتوان از بروز بحران‌ها، پیشگیری کرد و یا در صورت بروز آن درخصوص کاهش اثرات آن آمادگی لازم را کسب و برای امدادسانی سریع و بهبودی اوضاع اقدام کرد. بی‌شک به‌منظور اعمال مدیریت صحیح بحران و برنامه‌ریزی دقیق، وجود آمار و اطلاعات صحیح و کامل دارای اهمیت زیادی است (حاجوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰). همچنین، جایگاه و نقش رسانه‌های جمعی در اعمال مدیریت بحران دارای اهمیتی اساسی است که در پایین به آن پرداخته خواهد شد.

در بخش آخر این قسمت نیز باید اشاره کرد که از میان حوادث و پدیده‌های طبیعی، زلزله و آتشفشان، بیش از سایر پدیده‌ها، مردم و زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب وارد شدن خسارات جانی و مالی می‌شوند. (ابوالقاسمی و دیگران، ۱۳۸۱: ۹۸)

به‌طور کلی برای کاهش خطرات و زیان‌های ناشی از پدیده زلزله چهار روش وجود دارد که برای کسب نتیجه بهتر هر چهار روش باید به‌طور هم‌زمان و یکسان به‌کار گرفته شوند. این روش‌ها عبارتند از:

- پیش‌بینی زلزله‌ها؛
- تحکیم ساختمان‌های قدیمی و ایجاد ساختمان‌های مقاوم و ضد زلزله؛
- آمادگی دولت برای اقدامات لازم در

زمان‌های قبل، حین و بعد از زلزله؛  
- آموزش همگانی مردم.

باید به یاد داشته باشیم که ایران یکی از لرزه‌خیزترین کشورهای دنیاست و همواره با خطر وقوع زلزله‌های شدید که مهم‌ترین سانه طبیعی در ایران به‌شمار می‌آید، روبه‌روست. (همان)

## جایگاه و نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران‌ها و آمادگی در مقابل مصائب جمعی

بی‌شک رسانه‌ها نقش مهمی در مدیریت بحران‌ها و آمادگی در مقابل مصائب جمعی دارند. امروزه جایگاه و نقش رسانه‌ها در دیدگاه جدید مدیریت بحران پررنگ‌تر نیز شده است؛ یعنی جایی که باید «علاج واقعه را قبل از وقوع کرد» و هرگز نباید منفعلانه به انتظار مصائب جمعی نشست، بلکه باید به یاری خرد، دانش و فن به مضاف رفته و با افزایش آگاهی همگانی و تجهیز جامعه به وسایل و ابزار لازم، صدمات انسانی و خسارات مادی ناشی از وقوع بلایای جمعی ناگهانی را به‌حداقل رساند. این دیدگاه، دیدگاه سنتی مدیریت مصائب جمعی را نیز دربرمی‌گیرد و مسئله امداد و کمک‌رسانی پس از وقوع هر مصیبت خاص را نیز مدنظر دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، انسان بسیاری از اطلاعات، رفتارها، ارزیابی‌ها، انتخاب‌ها و جایگزینی‌ها را که کسب و در محیط اعمال می‌کند تنها از طریق مشاهدات عینی یا تجربیات مستقیم به‌دست نمی‌آورد، بلکه غالباً ناشی از اطلاعاتی است که به‌طور غیرمستقیم کسب می‌کند. این اطلاعات به روش‌های مختلفی کسب می‌شوند که مهم‌ترین آنها رسانه‌های جمعی است. امروزه با ورود وسایل ارتباط جمعی به کلیه زوایای زندگی بشر تحولات زیادی در شیوه زندگی، نوع رفتار و میزان تأثیرگذاری بر محیط‌های زندگی به‌وجود آمده است (رحمانی فضلی و بوذری، ۱۳۸۸: ۱۰۲). بنابراین، رسانه‌ها با توجه به نقش‌های آموزشی، اطلاع‌رسانی، آگاهی‌دهی، ترغیب، ارتقای مشارکت جمعی و مواردی از این قبیل که رسانه‌ها در بحث تأثیرگذاری بر مخاطب دارا هستند، می‌توانند در همه چرخه‌های مصائب جمعی تأثیرگذار و کارساز باشند.

شاید مهم‌ترین وظیفه رسانه‌ها در مرحله «انتظار یا پیش‌بینی» است. در این مرحله است

که جامعه در حالت عادی زندگی روزمره به‌سر می‌برد که رسانه‌ها در این مرحله باید آموزش‌های لازم درباره چگونگی برخورد با بحران‌ها و مصائب جمعی را آموزش دهند؛ اینکه در موقع بحرانی مانند زلزله چه اعمالی باید انجام داد و چگونه باید با آن برخورد کرد. افزایش آگاهی‌ها و شناخت توسط رسانه‌ها مهم‌ترین هدف آنها در این مرحله است.

در مرحله «اعلام خطر و مرحله نجات» معمولاً رسانه‌ها کار خود را انجام می‌دهند که همانا اطلاع‌رسانی است. رسانه‌ها در ایام بحران، جایگاه و نقش چندگانه‌ای بر عهده دارند. از یک طرف؛ به‌ویژه در مراحل ابتدایی ماجرا، آنها یکی از بهترین منابع اطلاعاتی هستند. همچنین آنها می‌توانند به انتشار خبر واقعه پرداخته، از طریق آن کمک‌های نقدی و غیرنقدی را جلب کنند. (مورفی و دالن، ۱۳۸۲)

در مرحله «رهاسازی» از مصیبت و عادی‌سازی و به‌ویژه در مرحله بازسازی و توان‌بخشی، تا حدودی نقش رسانه‌ها به‌نسبت مراحل قبلی تغییر می‌کند. یعنی بیشتر به جای آگاهی، آموزش و اطلاع‌رسانی، نقش رسانه در جهت التیام‌بخشی و برگرداندن افراد جامعه به جریان عادی زندگی روزمره برجسته می‌شود؛ چرا که باید به‌یاد داشته باشیم که یک جامعه مصیبت‌زده نظم اجتماعی خود را برای مدتی از دست می‌دهد و اثرات مصیبت تا مدت‌های طولانی در ذهن حادثه‌دیدگان باقی می‌ماند. رسانه‌ها در این مرحله نیز مانند مرحله اول نقشی پررنگ‌تر می‌یابند. در این مرحله، رسانه‌ها می‌توانند در برگرداندن جامعه و افراد به جریان عادی زندگی خود و زدودن آثار مصیبت با برنامه‌های خود ثمربخش باشند.

## جایگاه و نقش ویژه رادیو در مدیریت بحران‌ها و آمادگی در مقابل مصائب جمعی

وظایفی که در مدیریت بحران‌ها و فجایع جمعی برای رسانه‌های گروهی، به تفکیک مراحل چرخه‌های مصائب جمعی در بالا عنوان شد، بی‌شک برای رادیو نیز مصداق دارد. ولی رادیو از مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ویژگی‌هایی برخوردار است که می‌تواند حداقل در کشورهایی مانند کشور ما ثمربخش‌تر از دیگر رسانه‌های جمعی باشد. البته ناگفته نماند که امروزه در غرب و

کشورهای پیشرفته نیز دید بسیار مثبت و کاربردی به رادیو وجود دارد و علاوه بر کارکردهای بی‌شمار متعارف آن به‌عنوان یک رسانه اجتماعی (Community)، رسانه‌های تخصصی، آموزشی و ارتقادهنده آگاهی‌های عمومی شناخته می‌شود. چنانچه لینچ و گی‌لیس‌پی می‌گویند: «رادیو در بیش از ۹۹٪ خانه‌های آمریکا یافت می‌شود، پس جای تعجب نیست که به چه چیز ضروری در زندگی افراد تبدیل شده است.» (لینچ و گی‌لیس‌پی، ۱۳۸۳: ۲)

ویژگی‌هایی که رسانه جمعی رادیو داراست و آن را کارآمدتر از سایر رسانه‌ها می‌کند؛ به‌ویژه در مرحله انتظار یا پیش‌بینی بحران و مرحله بازسازی و توان‌بخشی، می‌توان چنین بیان کرد: رادیو رسانه توده‌ها؛ به‌ویژه در جهان سوم است. برد گسترده، ارزانی، کوچکی، تحرک‌پذیری، نیازنداشتن به سواد و امکان تلازم با کار و تحرک، این رسانه را با عرصه‌های وسیع انتقال اندیشه و تولید ذهنیت نو پیوند می‌دهد. برخی آن را ابزار جادویی برای شکستن یخ‌های فقر، جهل، بیماری و ناتوانی در جهان سوم می‌دانند؛ چرا که فقر گریبانگیر این جامعه‌ها امری تقدیری نیست؛ ژنتیک نیز نیست، بلکه امری اجتماعی است که از فرهنگ فقر برمی‌آید (ساروخانی، ۱۳۸۲). حمل نقل رادیو در خانه، در ماشین، سر کار و کنار دریا آسان است و در همه جا پیدا می‌شود. رادیو انعطاف‌پذیری دارد و در عین حال یک وسیله سرگرمی است و برای افراد، حق انتخاب بسیار زیادی فراهم کرده است. علاوه بر اینها رادیو از طریق پخش اخبار متنوع، طرح مسائل اجتماعی روز و برنامه‌های بحث و گفت‌وگو، آگاهی‌های اجتماعی افراد را بالا می‌برد (لینچ و گی‌لیس‌پی، ۳۸۳: ۲). همچنین رادیو با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خاص خود می‌تواند اصلی‌ترین تأکید خود را بر کارکرد اطلاع‌رسانی سریع بگذارد و از این قابلیت می‌تواند به عنوان رسانه‌ای غیر درگیر که در پشت صحنه زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد نهایت استفاده را ببرد (خجسته، ۱۳۸۷: ۷).

بنابراین رادیو با این ویژگی‌ها می‌تواند و توانسته است تا دورترین نواحی و تا عمق زندگی اجتماعی افراد جوامع رسوخ کند و به‌عنوان جزئی نوشتارلیک‌وار از زندگی افراد جامعه به‌شمار آید. نمونه‌هایی چون وجود رادیو در سیاه‌چادرهای عشایری، گوش دادن به رادیو حین رانندگی و

کار و نمونه‌هایی از این دست، نشان از سهولت استفاده و رسوخ آن در عمق زندگی افراد جامعه دارد که از آن می‌توان به نحو احسن در آموزش و آگاهی‌دهی سود جست.

همچنین، بیشترین قدرت، ماندگاری و تأثیرگذاری رادیو از طریق به‌کارگیری رادیوهای محلی و تخصصی است. رادیوهای محلی وسیله ارتباطی مؤثری برای دسترسی به خیل جمعیت کم‌سواد یا بی‌سواد به‌ویژه در مناطق روستایی کشورهای درحال توسعه هستند. این رادیوهای محلی ظرفیت بسیار بالایی در جهت ارائه برنامه‌های آموزشی و خدماتی متناسب با نیازهای مردم محلی و به زبان محلی مردم دارند (دارگون ۲۰۰۲، نقل از باقریان، ۱۳۸۲). همچنین، پخش محلی رادیو ویژگی‌هایی تأثیرگذار دارد که عبارتند از:

- هدفمند و مخاطب‌گرا بودن برنامه‌های رادیوهای محلی؛

- خدمت‌گرا بودن؛ چرا که رفاه مردم مد نظر است؛

- حساس بودن مشارکت مخاطبان و شنوندگان، که خود بخش مهمی از کل فرایند محسوب می‌شوند؛

- ارزیابی خودکار عملکرد؛

این رادیوهای محلی باتوجه به استفاده از مؤلفه‌های تأثیرگذار چون نزدیکی با نیازها و زبان مردم محلی، هدفمند و مخاطب‌گرا بودن، مشارکت مخاطبان در تولید برنامه و... جایگاه و نقش بسیار مهمی در آموزش و آگاهی‌دهی به افراد برای مقابله با بحران‌ها و فجایع جمعی دارند و می‌توانند با مشارکت محلی مردم، طرح‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی کوتاه‌مدت و بلندمدتی را به اجرا گذارند.

این خصوصیات و ویژگی‌های ذکرشده برای رادیو علاوه بر اطلاع‌رسانی و آموزش‌دهی و خبررسانی، نکته بسیار مهمی را برای ما گوشزد می‌کند و آن برد همه‌جایی و عجین شدن برنامه‌های رادیوست که در بالا توضیح دادیم. چرا که بحران همیشه در مرکز و شهرها اتفاق نمی‌افتد، بلکه همه جا می‌تواند در تیررس مصائب جمعی باشد. حاشیه‌ها، مناطق دورافتاده و روستاها که در این مناطق دسترسی به رادیو به سادگی مقدور است، با توجه به مشخصه‌های مورد ذکر می‌تواند در چرخه‌های مصائب جمعی به‌گونه‌ای ویژه کارساز باشد. از سوی دیگر، حتی

دیدگاه نوین  
مدیریت مصائب  
جمعی به این باور  
قدیمی ایمان آورده  
است که «علاج  
واقعه قبل از وقوع  
باید کرد» و هرگز  
نباید منفعلانه به  
انتظار مصائب  
جمعی نشست،  
بلکه باید به‌یاری  
خرد، دانش و فن  
به مصاف رفت و  
با افزایش آگاهی  
همگانی و تجهیز  
جامعه به وسایل و  
ابزار لازم، صدمات  
انسانی و خسارات  
مادی ناشی از  
وقوع بلایای جمعی  
ناکاهانی را به‌حداقل  
رساند.



در مورد مناطق شهری و نزدیک به مراکز نیز که دسترسی به سایر رسانه‌ها سهولت دارد، باید به این نکته توجه داشت که در شرایط بحرانی اغلب این رسانه‌ها یا از کار می‌افتند و یا سرعت کندی از خود نشان خواهند داد. تنها رادیوست که با سرعت و فراگیری می‌تواند در شرایط بحرانی با همه مخاطبان ارتباط برقرار کند. همچنین، رادیوهای محلی در مرحله بازسازی و توان بخشی چرخه مصائب جمعی می‌توانند با استفاده از مشارکت مردم در تولید برنامه‌ها و نزدیک کردن برنامه‌های خود با نیازهای مردم، برنامه‌هایی ارائه کنند که افراد را برای بازگشت به جریان عادی امور زندگی خود یاری کند و باید اذعان داشت برای هیچ رسانه‌ای به مانند رادیو امکان تولید محتوایی محلی که بیشترین نزدیکی را با مردم محلی از خود نشان دهد، میسر نیست.

بنابراین در هر سه مرحله رادیو توانمندی و اثربخشی ویژه‌ای دارد. در مرحله انتظار یا پیش‌بینی که جامعه در حالت عادی زندگی روزمره به سر می‌برد، آموزش‌های لازم درباره چگونگی برخورد با بحران‌ها و مصائب جمعی را آموزش می‌دهد. افزایش آگاهی‌ها و شناخت در این مرحله است که با خصوصیات منحصر به فرد رادیو عجین می‌شوند. همچنین، در مرحله اعلام خطر و مرحله نجات و اطلاع‌رسانی و در مرحله رهاسازی از مصیبت و عادی‌سازی و به‌ویژه در مرحله بازسازی و توان بخشی، جایگاه و نقش رادیوها در جهت التیام بخشی و برگرداندن افراد جامعه به جریان عادی زندگی روزمره قابل توجه است.

### نتیجه‌گیری

بحران‌ها و فجایع جمعی خبر نمی‌کنند و به‌صورت اتفاقی حادث می‌شوند. اما این دلیلی نمی‌شود که تا روز حادث شدن اتفاقی، دست روی دست گذاشته و کاری انجام ندهیم. عقل و منطق حکم می‌کند که بر اساس مدیریت نوین فجایع جمعی به مصاف با بحران و فجایع جمعی رفته و قبل از حادث شدن آنها، علاوه بر فعالیت‌های سخت‌افزاری به آموزش، اطلاع‌رسانی، آگاهی‌دهی افراد جامعه پرداخت تا بتوانند نحوه برخورد با فجایع را به‌منظور کاهش اثرات مالی، جانی و اجتماعی آن فرا گیرند. رسانه‌ها در این چرخه نقش بسیار مهمی دارند.

در این میان، رادیو با توجه به توانمندی‌های خاص خود از قبیل گستردگی، ارزانی، کوچکی،

تحرك پذیری، نیازناشتن به سواد، امکان تلازم با کار و تحرك که توانسته است تا دورترین نواحی و تا عمق زندگی اجتماعی افراد جوامع رسوخ کند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این جایگاه ویژه با عنایت به قدرت تأثیرگذاری و ماندگاری رادیوهای محلی و تخصصی، امروزه تقویت هم شده است. این رادیوهای محلی ظرفیت بسیار بالایی در جهت ارائه برنامه‌های آموزشی و خدماتی متناسب با نیازهای مردم محلی و به زبان محلی مردم دارند. بنابراین، رادیو هم در موقعیت متعارف و هم در موقعیت محلی و اجتماعی خود می‌تواند در چرخه مصائب جمعی، راهگشا، آموزش‌دهنده و آگاهی‌بخش باشد. پس رادیو در مدیریت بحران‌ها آگاهی و آموزش می‌دهد، شادابی به‌وجود می‌آورد و با مردم همراه می‌شود.

### منابع و مآخذ

- ابوالقاسمی، حسن و دیگران (۱۳۸۱)، جنبه‌های بهداشتی- درمانی مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه، فصلنامه «طب نظامی»، شماره ۴.
- باقریان، فاطمه (۱۳۸۲)، رادیو: دردسترس‌ترین رسانه، فصلنامه «فرهنگ و ارتباطات»، شماره ۱.
- پیران، پرویز (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه، فصلنامه «رفاه اجتماعی»، سال سوم، شماره ۱۱.
- حاجوی، اباذر و دیگران (۱۳۸۸)، مدیریت بحران در بخش مدارک پزشکی بیمارستان‌های آموزشی استان کرمان و شهرستان بروجرد و ارائه الگو، فصلنامه علمی و پژوهشی «مدیریت سلامت»، دوره ۱۲، شماره ۳۵.
- خجسته، حسن (۱۳۸۷)، رادیو، مدیریت و جامعه، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا و بوذری، سیمیا (۱۳۸۸)، دست‌یابی به توسعه پایدار روستا با تأکید بر نقش محوری رسانه‌های جمعی، مطالعه موردی: روستاهای استان قزوین، «جغرافیا و توسعه»، شماره ۱۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، رادیو و چشم‌اندازهای نو، فصلنامه «ارتباطات و فرهنگ»، شماره ۱.
- لینچ، جوانا آر و گی‌لیس‌پی، گرگ (۱۳۸۳)، برنامه‌ریزی در رادیوهای خصوصی، ترجمه: معصومه عصام، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- مورفی، براندا و هالی دالن (۱۳۸۲)، مدیریت بحران و سرمایه اجتماعی، ترجمه: حمیدرضا محمدی، فصلنامه «رفاه اجتماعی»، سال سوم، شماره ۱۱.
- DERA, Planners Triangle, FEMA, 2001, <http://www.disasters.org>
- <http://www.khorasan.ir/havades/tabid/5293/Default.aspx>